

# جهاد در قرآن



حججه الاسلام  
والمسلمین  
طاهری خرم آبادی

نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

(۶)

## انواع دفاع



گفته شد که :

جهاد در لغت کوششی است همراه با مشقت جهاد در قرآن را می توان در موضوعات زیر بحث کرد : ۱- فرمان جهاد و نگهداری از ترک آن ۲- علل عشق به جهاد و فرار از آن ۳- انگیزه جهاد در اسلام ۴- شرایط جهاد . . . جهاد بدو نوع تدافعی و ابتدائی تقسیم می شود . . . گاهی انسان یا جامعه از حیات خود دفاع می کند ، گاهی از مال و ثروت خود و گاهی هم از استقلال و آزادی . . . در اسلام یکی دیگر از انواع ضروری دفاع ، دفاع از ناموس است . . . و از مقدس ترین جهاد تدافعی ، دفاع از دین و مکتب ( اسلام ) می باشد . . . این سؤال که هدف از جهاد در اسلام چیست ؟ آیا هدف توسعه ارضی ، تصاحب ثروت و یا سلطه بر دیگران می باشد ؟ جوابش اینست که خیر ، اینها تجاوز است و تجاوز و تعدی از نظر اسلام محکوم است . . . .

نتیجه :

۱- جهاد یک نوع دفاع از حقوق مادی ملتها است ، زیرا آنها قانونی که حافظ و تامین کننده عدالت اجتماعی است ، همانا قانون الهی است ، و جهاد برای برقراری نظام و قانون الهی است .  
۲- همچنین جهاد ، دفاع از حقوق معنوی ملتهاست ، چه اینکه آزادی ، استقلال ، عدالت فضیلت های اخلاقی و کرامتها و ارزشهای انسانی با قوانین الهی بهتر از هر نوع نظام و قانون دیگری تامین می گردد .  
۳- جهاد دفاع از حقوق معنوی و ارزشهای والای انسانیت در بعد ابدیت و سیرا و به سوی خداوند است ، زیرا اطاعت از خداوند و پیرستش و عبادت او است که آدمی را به این مقصد بزرگ و هدف از خلقت سوق می دهد ، و رنگ الهی به خود می گیرد :

”صَبَقْنَا لِلَّهِ وَمِنْ أَحْسَنِ مِنَ اللَّهِ صَبَقَةً“

سوره بقره آیه ۱۳۸

رنگ آمیزی خداست ( که به ما مسلمانان



رنگ فطرت ایمان و سیرت توحیدبخشید) و هیچ رنگی بهتر از رنگ خدائی نیست .

پس با توجه به این نکته که تمام حقوق مادی و معنوی و ارزشهای انسانی در سایه پیاده شدن قوانین الهی احیا می گردد، کسانی که مانع از اجرا حدود و قوانین الهی میگردند ، به حقوق انسانیت و بشرهای زیر سلطه آنها تجاوز نموده اند ، و سدی برای تکامل و تعالی آنها شده اند . و بر جامعه اسلامی است که در صورت وجود امکانات و شرائط مساعد به دفاع از حقوق بشریت و بسط و توسعه ارزشهای انسانی که در سرلوحه آنها علاء کلمه توحید است برخیزد و با نظامهای طاغوتی و مکتبهای مادی و ضد انسانی مبارزه نماید .

لذامی بینیم در اولین برخوردی که بهمن فرمانده سپاه ایران با ربیع بن عامر فرستاده سعد و قاص می شود ، ربیع بن عامر هدف سپاه اسلام را در چند جمله خلاصه می کند و می گوید : خداوند ما را فرستاده است تا بندگان را از سختی ها و مشقت های دنیا رهایی بخشیم ، و از ظلم و ستم مرامها و مکتبها نجات دهیم ، و در سایه عدل اسلامی در آوریم .

و از نفر دومی که با همین فرمانده ملاقات می کند نقل شده است که هدف از آمدن مسلمین رابه سرزمین ایران چنین بیان داشته است :

" اِخْرَاجُ الْعِبَادِ مِنَ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ "

ما آمده ایم تا بندگان خدا را از پرستش غیر خدا به پرستش خدا در آوریم . و خلاصه چنین بیان داشتند که ما برای گرفتن سرزمین و پاتصاحب مال و ثروت مردم ایران و یا دزدی و غارت نیامده ایم ، و قصد تجاوز به حدود و حقوق ملت را نداریم ، بلکه برای نجات مردم از بدبختی ها و ستمها و پرستشهای بیجا و بی مورد آمده ایم ، و هدفی جز تعالی انسانها نداریم .

لازم است به دو نکته اساسی توجه داشت :  
۱- جنگ آخرین علاجی است که برای مبارزه با فساد و تامين ارزشها و حقوق انسانی

بر آن است و انواع مفاسد اخلاقی و عوامل گرایش بسوی الحاد و مادگرایی در آن وجود دارد ، زمینهای برای بذرايمان و اعتقاد در دلها وجود ندارد ، و برای ایجاد زمینه مساعد و رفع مانع از ارشاد و تبلیغ ، لازم است که با عوامل فساد و دشمنان خدا و خلق جنگید و محیط را برای بذرعقیده و ایمان آزاد ساخت .

اینک به مفاد و معنی " فی سبیل الله " که در آیات جهاد بعنوان هدف از جهاد بیان شده است بی می بریم و به این نتیجه می رسیم که مقصود از راه خدا آن است که : جهاد ، مردم را در مسیر الهی قرار دهد ، و حکومت الله را بر سرقراری نظام اسلامی در جامعه مستقر نماید .

در بین آیات به چند آیه برخورد می کنیم که هدف از جهاد را با تفصیل بیشتری بیان فرموده است . اینک به بیان این آیات می پردازیم :

۱ - " وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ اَنْتَبَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ " (سوره بقره آیه ۱۹۳)

با کافران جهاد و مقاتله کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برداشته شود و تنها دین خدا برقرار باشد ، و اگر از فتنه و جنگ دست کشیدند ( با آنها عدالت کنید ) که ستم جز بر ستمکاران روا نیست .

۲ - " وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ اَنْتَبَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ " (سوره انفال آیه ۳۹)

با کافران مقاتله کنید تا در زمین فتنه و فساد نباشد ، و دین خدا آئین همه گردد و چنانچه دست کشیدند خدا به اعمالشان بصیر و آگاه است .

لغات آیه :

فتنه : این واژه دارای معانی و موارد استعمال گوناگون و مختلفی است . فتن در اصل به گذاردن طلا در آتش برای ظاهر شدن

بدان متوسل باید شد ، و قبل از آن باید با ارشاد و گسترش تبلیغات اسلامی به صورتهای متنوع و گوناگون ، جهاد را شروع نمود . و به تعبیر دیگر جهاد با زبان و قلم و صرف مال مقدم بر جهاد با سلاحهای دیگر است . حتی در میدان جنگ هم برای آخرین بار باید نخست دشمن رابه راه اسلام دعوت نمود و سپس آغاز به جنگ کرد .

در حدیث معتبری از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمود :

" بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْيَمَنِ ، فَقَالَ : " يَا عَلِيُّ لَا تَقَاتِلَنَّ خِدَا حَتَّى تَدْفُوهُ " " إِلَى الْإِسْلَامِ ، وَأَيُّمُ اللَّهُ لَيُنَّ بِبَيْتِي " " اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ " " لَكِنَّ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ السَّمْسُ وَغَرِبَتْ "

(وسائل الشيعه - كتاب جهاد - باب ۱۵ روایت ۱)

رسول خدا مرا بسوی یمن فرستاد و فرمود : با کسی جنگ نکن تا آنکه او رابه اسلام دعوت کنی . بخدا قسم هر آینه اگر هدایت نماید خداوند بدست تو مردی را ، بهتر است برای تو از آنچه که آفتاب بر آن طلوع کرده و غروب نموده است .

۲- ایمان اگرچه یک امر قلبی و اختیاری است ، و یک نوع گرایش دل است به آنچه را که به آن اعتقاد پیدا نموده است و باور کرده است ، و نمی شود با زور و جبر کسی را موافق نمود و یا کافر ساخت ، و قهرا جهاد و مبارزه نمی تواند ایمان را در دلها جا دهد ، اگرچه بظاهر هم تسلیم گردند و اظهار اسلام نمایند ، ولی جهاد این اثر را دارد که محیط را برای بذرايمان در دلها آماده می سازد و موانع را از سر راه برمی دارد ، زیرا در جامعه ای که حکومت و نظام آن طاغوتی و غیر الهی است ، و شرک و کفر حاکم



خوبی و بدی آن گفته شده است، چنانکه  
راغب در مفردات نقل کرده است.

و فتنه در این معانی نیز به کار رفته است.  
امتحان، عذاب یا بلا و شدت، ضلالت و  
گمراهی، شرک، و همه این معانی خالصی از  
تناسب با همدیگر و با اصل لغت فتن که به  
معنی گذاردن طلا در آتش است، نمی باشد.  
ربرا ادخال طلا در آتش وسیله‌ای برای  
آزمایش آن است، و بهمین مناسبت بر خود  
آزمایش که مسبب و مولود این عمل و این سبب  
است اطلاق میشود مانند آیه *أَخْسَبَ النَّاسُ أَنْ  
يُشْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ*. و *لَقَدْ  
فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ*

(سوره عنکبوت آیه ۱)

آیا مردم گمان نموده‌اند به همین که  
بگویند ما ایمان آوردیم و اگذار میشوند، و  
آزمایش نمی شوند، و حال آنکه ما امتحان  
نمودیم آنها را که قبل از شما بودند.  
و آیه: *إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ*  
اموال و فرزندان شما وسیله آزمایش شما  
هستند.

و چون آزمایش و امتحان همواره با سختی  
و عذاب همراه است، بهمین مناسبت به  
عذاب و شدت و بلا هم فتنه گفته شده است.  
مانند آیه:

*«وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَأُتْسِبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا»*  
*«بِنُكْمٍ خَاصَّةٍ»*

(سوره انفال - آیه ۲۵)

ببرهیزید از فتنه‌ای (عدایی) که تنها به  
آنها که ظلم نموده‌اند نمی رسد. و چون در  
مواردی شکنجه‌ها و عذاب‌ها که از طرف مشرکین  
و با طاغوتها به افراد داده میشد، برای آن  
بود که آنان را گمراه کنند و به شرک و اِدَار  
سازند، لذا به چیزی که محصول و نتیجه  
شدت و بلا است یعنی شرک و گمراهی، فتنه  
گفته میشود.

دین: دین گاهی بمعنای جزا به کار رفته  
است مانند: *«يَوْمَ الدِّينِ»* یعنی روز جزا و

عقیده‌ای) را طلب نماید، از او پذیرفته  
نمیشود.

و از همین قبیل است آیه: *«لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»*  
و آیه:

*«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ»*  
راغب در مفردات می گوید:

*«وَالدِّينُ يُقَالُ لِلطَّاعَةِ وَالْجَزَاءِ»*  
*«وَأَشْتَعِيرُ لِلشَّرِيعَةِ»*

دین را به معنای فرمانبرداری و پساداش  
میگویند، و مجازاً به معنای شریعت گفته شده است

\*\*\*

اکنون با توجه به مفهوم و معنی لغات آیه،  
به تفسیر آیه بپردازیم.

می فرماید: *مقاتله کنید با آنان یعنی*  
مشرکین تا دیگر فتنه‌ای نباشد. منظور از فتنه  
در آیه، با عذابها و اذیت و آزارهایی بوده  
است که مشرکین نسبت به مسلمانان روا  
میداشتند (و خلاصه بر طرف شدن بلاها و  
شدتهایی که از ناحیه مشرکین متوجه مسلمین  
می گردید) و با مقصود شرک و گمراهی است.  
و بعد می فرماید:

*«وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ»*

و اطاعت مخصوص خدا است.

البته جمله دوم بیشتر مناسب با بر طرف  
شدن شرک است، پس معنی آیه این است که  
بجنگید و قتال کنید با مشرکین تا دیگر شرک  
نباشد و اطاعت از آن خدا باشد.

*«فَإِنْ أَنْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ»*

یعنی اگر اینها خود از شرک و بت پرستی  
دست برداشتند و ایمان آوردند، دیگر با آنها  
نجنگید، زیرا دشمنی روا نیست مگر بر  
ظالمین یعنی فقط با ظالم که یک مظهر شر  
همان شرک و کفر است باید جنگید، و اگر  
ظلم و شرک بر طرف گردید، دیگر دشمنی و  
عداوتی هم نخواهد بود.

در اینجا باید به چند نکته توجه نمود:

۱- این آیه هدف و انگیزه از قتال را بر  
اساس تکامل و پیشرفت انسانها قرار داده است

پاداش و مانند *«وَأَنَّ الدِّينَ لِرَاقِعٍ»* همانا  
جزا و پاداش شدنی است.

و معنی دیگر دین اطاعت و فرمانبرداری  
است مانند:

*«دَعَا اللَّهَ مُخْلِجِينَ لَهُ الدِّينَ»*

(سوره یونس آیه ۲۲)

خدا را با اخلاص خواندند، و برای او  
طاعت را قرار دادند.

*«قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ»*

(سوره زمر - آیه ۱۱)

و مامور شدم که خدا را عبادت نمایم در  
حالی که خالص باشد عبادت من و برای او  
باشد طاعت من.

*«وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ»*

(سوره نسا - آیه ۱۴۶)

طاعت خود را برای خدا خالص نمودند.  
و سومین معنای دین، شریعت و قانون  
الهی است، بلکه در مورد قوانین بشری نیز  
به کار رفته است، و تناسب این معنی با معنای  
اول در این است که برای عمل کردن و پساداش  
تخلف نسبت به قوانین، جزا و پاداش وجود  
دارد، پس قانون و شریعت سبب پاداش میشود  
و اما تناسبش با معنای دوم در این است که در  
قانون و شریعت، اطاعت و انقیاد لازم است.  
و از این قسم است آیه:

*«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»*

(سوره آل عمران آیه ۱۹)

همانا دین در نزد خداوند اسلام است،  
یعنی تسلیم شدن در مقابل خدا است. و  
خلاصه روح دین و زیر بنای آن طاعت و تسلیم  
در برابر خداوند است. و آیه:

*«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ»*

کسی که غیر اسلام دینی (شریعتی) و



## بازسازی

تحول عمده بعد از عملیات بیت المقدس این است که مقدار زیادی نیروهای ما آزاد میشوند زیرا که در این عملیات چهار لشکر آزاد همراه با چند تیپ مستقل شرکت دارند که بعد از پایان عملیات فقط بخشی از این لشکرها باید به دفاع بپردازند و بقیه آزاد میشوند همانند عملیات فتح المبین که در آن لشکرها ۷۷ و ۹۲ و ۲۱ حمزه و ۶۴ قزوین و تیپهای خرم آباد و شیراز، شرکت داشتند ولی بعد از پایان عملیات یک لشکر را برای دفاع گذاشتیم و بقیه برای شرکت در عملیات بیت المقدس آزاد شدند. بعد از این مرحله هم یک لشکر برای دفاع و بقیه اگر عملیات نداشته باشیم، بعد از بازسازی خودشان با نیروهای انسانی و مهندسی عظیمی که دارند همراه با امکانات وزارت دفاع و جهاد و ماشین آلاتی که در جنگ به سنگرکتی و راه سازی و خاک ریز زدن مشغولند با نیروهایی که تجربه آموختنند به بازسازی منطقه خواهند پرداخت.

همچنین بعد از این عملیات و رسیدن به اهداف آن باید، با استفاده از نیروهایی که در اردوگاههای آوارگان جنگ هستند، و یولهایی که مردم به این منظور در جاسیها ریخته اند و عشق مردم به بازسازی این مناطق بازسازی را آغاز کنیم و جنگ زدگان را یک قدم در جهت سازندگی به پیش ببریم و این روستاهای قدیمی را که نوعاً عقب مانده بود نوسازی کنیم.

آن برود که تمام بدن را فرا گیر شود، ناچار میشود که عمل جراحی کند و احياناً عضو مزبور را هم قطع نماید. و این بخاطر حفظ اعضا، دیگر بدن این انسان است. شرک و الحاد اگر در جامعه ای وجود داشته باشد و با آن مبارزه نشود، کم کم جامعه را فرا میگیرد و سقوط انسانیت را در پی دارد. لذا اگر چاره ای جز عمل جراحی و قبجی کردن اعضا، فاسد نباشد، برای حفظ حقوق و حیات انسانی دیگران با تحمل نازاحتسی، باید به یک عمل جراحی دست زد و جامعه را نجات بخشید.

۳- با توجه به اصل فطری بودن توحید، و اینکه اساساً دین یک امر فطری انسانی است، یعنی در هر انسانی استعداد گرایش به خدا و شناخت او و عبادت او وجود دارد، گفایین استعداد باید در پرتو تربیت انبیا، به فعلیت برسد، مانند استعدادی که در یک دانه گندم وجود دارد و چه بسا این استعداد از بین برود و چه بسا به فعلیت رسیده و خوشه گندمی می شود.

”فَاتِمٌ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرًا لِلَّهِ  
الَّذِي فِطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا“

(سور فرودم- آیه ۳۰)

پس تو (ای رسول) روی به جانب آئین پاک اسلام آور و پیوسته از دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن.

\*\*\*

بنا بر این جهاد و مبارزه با شرک، دفاع از حق مشروع و فطری انسانی است، زیرا در شرک هلاک انسانیت و از بین رفتن استعداد و فطرت خدادادی انسانی است، و جنگ با آن ضامن حیات و زندگی او است. **ادامه دارد**

یعنی برطرف نمودن شرک و جایگزین نمودن توحید.

بنا بر این در جهاد هیچ نوع انگیزه مادی وجود ندارد، و اساساً منافع شخصی و گروهی مطرح نیست. و نتیجه مبارزه چیزی نیست که فقط غاید جنگجویان شود، و مانند یک تیم پزشکی که با میکروب وبا مثلاً مبارزه می کنند و از برطرف ساختن آن، همه مردم سود میبرند جنگ یک نوع مبارزه با فساد و فلالست و گمراهی است، و رفع مانع از حرکت انسانها به سوی کمال که همان قرب به خدا و توحید است می نماید. و انگیزه های جز حکومت اللہ و تسلیم نمودن جامعه در برابر خدا و پاک سازی آن از شرک و اطاعت غیر خدا ندارد.

۲- همانگونه که در بحثهای گذشته توضیح داده شد، جهاد در اسلام یک نوع دفاع بلکه عالیترین دفاع از مهمترین حقوق انسانیت است یعنی همان توحید و حکومت اللہ. و این آیه از دو جهت برای این مطلب دلالت دارد: یکی اینکه غایت و نتیجه جهاد را و نقطه ای که قتال در آنجا خاتمه می یابد، بر طرف شدن فتنه یعنی شرک و برقراری توحید و طاعت خدا قرار داده است.

و دیگر اینکه فرموده است: اگر بدون قتال ایمان آوردند و از شرک دست برداشتند قتال هم منتفی میشود و متوقف می گردد.

و این به خوبی روشن میسازد که مقصود انتقام جویی و رسیدن به منافع مادی استعمار و کشور گشائی و سلطنت و حکومت نیست، زیرا اگر مقصد یکی از این امور باشد، با برطرف شدن شرک حاصل نمیشود و جنگ خاتمه نمی یابد.

جامعه ای که شرک و فساد و گمراهی در آن وجود دارد همانند بدن انسانی است که عضوی از آن مبتلا به یک غده چرکین شده است. اگر طبیب و جراح توانست آن را سا دوا علاج نماید، از ابتدا دست به عمل جراحی نمی زند، ولی اگر چاره ای نباشد و بیم